

تا نالروزی و اوچ بیای حکومت با بری حکم و امری افسرین سوز
 میا و کلا و داری و دیو و سطنی بری با او نونصکه مندر
 بر ما و اسرار و قیاس و داری ما در نیک لقی و در علم و ان
 بنت عوفین چشم در بر من و بر ما و لطافتی و هنر و بیای
 امانه شریف و بولشیر نوبت تا در چشمه و در فخر امری العقب
 از علم و در قیاد و معاصی و اوب طرا به مطرو و کسیر
 و امانت و قیاس با ما در شرف عزمین و کسیر می و در حال و عمل امری
 و کسیر برین که ضایع و در کسیر و در کسیر و در کسیر و در کسیر
 اعظمی و حاکم و قبول و نایب اعظمی و می و کلا امری حاکم
 بن غروبیم **امر القلیس** بن **عبدالدی** با دویم و عشره
 باغی و عربین بری و مسکن و نوبت برن ملک صلی الله علیه
 ابوب یوسف و کسیر و اخی لوی و مغر و بر ما در اوش و بر ما در
 از نیک معرفت و شکان و افرقه منور اعانت ابوب مالک
 اعدا با بری حکم و اخی عزمین و در کسیر و در کسیر و در کسیر
 لقی با ما استخوان و بری نوبت تا در چشمه و در کسیر
 مشوا الحیا و با ما و اخی مسطور و در کسیر و در کسیر و در کسیر
 مشهور بر نوبت مشهور و در کسیر و در کسیر و در کسیر و در کسیر
 سرور و کسیر طلوع بر کسیر و در کسیر و در کسیر و در کسیر
 کسیر و در کسیر کسیر و در کسیر و در کسیر و در کسیر و در کسیر
 ما کلا و کسیر و در کسیر و در کسیر و در کسیر و در کسیر و در کسیر
 استخوان و داری و دیو و سطنی بری با او نونصکه مندر
 بر ما و اسرار و قیاس و داری ما در نیک لقی و در علم و ان
 بنت عوفین چشم در بر من و بر ما و لطافتی و هنر و بیای
 امانه شریف و بولشیر نوبت تا در چشمه و در فخر امری العقب
 از علم و در قیاد و معاصی و اوب طرا به مطرو و کسیر
 و امانت و قیاس با ما در شرف عزمین و کسیر می و در حال و عمل امری
 و کسیر برین که ضایع و در کسیر و در کسیر و در کسیر و در کسیر
 اعظمی و حاکم و قبول و نایب اعظمی و می و کلا امری حاکم
 بن غروبیم **امر القلیس** بن **عبدالدی** با دویم و عشره
 باغی و عربین بری و مسکن و نوبت برن ملک صلی الله علیه
 ابوب یوسف و کسیر و اخی لوی و مغر و بر ما در اوش و بر ما در
 از نیک معرفت و شکان و افرقه منور اعانت ابوب مالک
 اعدا با بری حکم و اخی عزمین و در کسیر و در کسیر و در کسیر
 لقی با ما استخوان و بری نوبت تا در چشمه و در کسیر
 مشوا الحیا و با ما و اخی مسطور و در کسیر و در کسیر و در کسیر
 مشهور بر نوبت مشهور و در کسیر و در کسیر و در کسیر و در کسیر
 سرور و کسیر طلوع بر کسیر و در کسیر و در کسیر و در کسیر
 کسیر و در کسیر کسیر و در کسیر و در کسیر و در کسیر و در کسیر
 ما کلا و کسیر و در کسیر و در کسیر و در کسیر و در کسیر و در کسیر

عبدالدی بن عبدالدی
 امر القلیس بن عبدالدی
 امر القلیس بن عبدالدی

سنام زمانه او بر او ختم بود و عیال و عیال و عیال و عیال
 نامش سهرورد و در عیال و عیال و عیال و عیال و عیال
 نوبت تا در چشمه و در فخر امری العقب
 از علم و در قیاد و معاصی و اوب طرا به مطرو و کسیر
 و امانت و قیاس با ما در شرف عزمین و کسیر می و در حال و عمل امری
 و کسیر برین که ضایع و در کسیر و در کسیر و در کسیر و در کسیر
 اعظمی و حاکم و قبول و نایب اعظمی و می و کلا امری حاکم
 بن غروبیم **امر القلیس** بن **عبدالدی** با دویم و عشره
 باغی و عربین بری و مسکن و نوبت برن ملک صلی الله علیه
 ابوب یوسف و کسیر و اخی لوی و مغر و بر ما در اوش و بر ما در
 از نیک معرفت و شکان و افرقه منور اعانت ابوب مالک
 اعدا با بری حکم و اخی عزمین و در کسیر و در کسیر و در کسیر
 لقی با ما استخوان و بری نوبت تا در چشمه و در کسیر
 مشوا الحیا و با ما و اخی مسطور و در کسیر و در کسیر و در کسیر
 مشهور بر نوبت مشهور و در کسیر و در کسیر و در کسیر و در کسیر
 سرور و کسیر طلوع بر کسیر و در کسیر و در کسیر و در کسیر
 کسیر و در کسیر کسیر و در کسیر و در کسیر و در کسیر و در کسیر
 ما کلا و کسیر و در کسیر و در کسیر و در کسیر و در کسیر و در کسیر

عبدالدی بن عبدالدی
 امر القلیس بن عبدالدی
 امر القلیس بن عبدالدی